بسمه تعالی

موضوع: بررسی أفضلیت تسبیحات در رکعتین أخیرتین /قرائت /صلاه

فهرست مطالب:

[بررسی جمع بندی بین روایات دال بر افضلیت تسبیحات یا قرائت 1](#_Toc125989581)

[تکمله بررسی مرسله صدوق 1](#_Toc125989582)

[روایت دیگری در بیان افضلیت تسبیحات 2](#_Toc125989583)

[فرمایش محقق حائری در جمع بین روایات 2](#_Toc125989584)

[فرمایش آیت الله سیستانی در جمع بین روایات 3](#_Toc125989585)

[فرمایش آیت الله سیستانی راجع به مأموم 6](#_Toc125989586)

[مناقشه آیت الله سیستانی به محقق خویی و بررسی آن 6](#_Toc125989587)

[بحث بعد: بررسی چیستی عدل قرائت در رکعتین أخیرتین 8](#_Toc125989588)

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته روایات مطرح شده دال بر افضلیت تسبیحات اربعه در رکعتین أخیرتین مورد بررسی سندی و دلالی قرار گرفت. در این جلسه به تتمه بحث جمع بندی بین روایات از منظر محقق حائری و آیت الله سیستانی پرداخته می شود.

# بررسی جمع بندی بین روایات دال بر افضلیت تسبیحات یا قرائت

در رابطه با حل تعارض روایات قرائت حمد در رکعت سوم و چهارم و یا تسبیحات مطالبی نقل شد.

تکمله بررسی مرسله صدوق رحمه الله

 این نکته را اشاره می کنیم که آنچه در جلسه گذشته به عنوان مرسله صدوق اشاره شد عبارت آن چنین بود:

« وَ قَالَ الرِّضَا ع إِنَّمَا جُعِلَ الْقِرَاءَةُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَوَّلَتَيْنِ وَ التَّسْبِيحُ فِي الْأَخِيرَتَيْنِ لِلْفَرْقِ بَيْنَ مَا فَرَضَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عِنْدِهِ وَ بَيْنَ مَا فَرَضَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ص»[[1]](#footnote-1)

این روایت برداشت صدوق از علل فضل بن شاذان است که برخی مثل محقق زنجانی سند به علل فضل بن شاذان را صحیح می دانند[[2]](#footnote-2). برخی دیگر مثل آیت الله سیستانی این اشکال را مطرح می کنند که علل کتاب تألیف است و کتاب حدیث نیست. برخی نیز مثل محقق خویی این اشکال را مطرح می کنند که سند این کتاب را مشتمل بر ابن عبدوس و ابن قتیبه است که توثیق ندارند[[3]](#footnote-3). ما هم سعی کرده ایم که سند را تمام بدانیم. متن روایت در علل الشرایع چنین است:

«فَإِنْ قَالَ فَلِمَ جُعِلَ الْقِرَاءَةُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَيَيْنِ وَ التَّسْبِيحُ فِي الْأُخْرَيَيْنِ قِيلَ لِلْفَرْقِ بَيْنَ مَا فَرَضَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ عِنْدِهِ وَ مَا فَرَضَهُ مِنْ عِنْدِ رَسُولِه»[[4]](#footnote-4)

با توجه به این متن اشکال به دلالت این روایت چنین می شود که این روایت در مقام بیان حکم شرعی نیست. حکم شرعی را مفروغ عنه گرفته است و در مقام بیان فلسفه حکم است. دلیل جعل تسبیح را بیان می کند ولی منافاتی با اینکه جعل آن تخییری باشد ندارد. چگونگی جعل را توضیح نداده است.

## روایت دیگری در بیان افضلیت تسبیحات

 در جلسه گذشته نه روایت مطرح و بررسی گردید. روایت دیگری نیز می توان مطرح کرد که محقق حلی در معتبر نقل می کند:

« لما رووه و رويناه عن علي عليه السّلام انه قال: «اقرأ في الأولتين و سبّح في الأخيرتين»[[5]](#footnote-5)

این حدیث اگر ضعف سند نداشت، دلالت تامی داشت و مناسب بود جزء روایات افضلیت تسبیح در رکعات سوم و چهارم شمرده شود.

### فرمایش محقق حائری در جمع بین روایات

در رابطه با حل تعارض روایات، فرمایش محقق حائری مطرح شد که می فرمود: روایت علی بن حنظلۀ که «هما والله سواء» داشت حکم اولی را می گوید و منافاتی ندارد که اگر امام بود قرائت افضل باشد و اگر مأموم بود تسبیح افضل باشد و اگر منفرد بود مساوی باشد.

به نظر ما این بیان عرفی نیست. وقتی امام علیه السلام قسم می خورد که به خدا قسم هیچ فرقی بین تسبیح و قرائت نیست، بگوییم حکم شأنی را می گوید عرفیت ندارد. تخصیص نیز عرفی نیست که بگوییم روایت علی بن حنظلۀ مختص به منفرد است. اکثر نماز های آن زمان جماعت بوده است که یا امام و یا مأموم بوده اند، اینکه بگوییم قسم امام علیه السلام مربوط به خصوص نماز منفرد است، جمع عرفی نیست.

**سوال**: اکثرا جماعت باطل داشته اند. اینطور نبوده که جماعت صحیح داشته باشند.

**جواب**: بالأخره حکم جماعت را داشت. اکثرا جماعت می خواندند، یا امام و یا مأموم بوده اند. بعد آن روایتی که راجع به امام جماعت می گفت تسبیح افضل است[[6]](#footnote-6) که چندین روایت بود، روایت معراج پیامبر، روایت محمد بن عمران[[7]](#footnote-7)، صحیحه محمد بن قیس[[8]](#footnote-8) و روایت رجاء بن أبی ضحاک که تسبیح را مطرح کرده بودند و امام رضا علیه السلام در روایت رجاء علی القاعده امام جماعت نیز بوده اند[[9]](#footnote-9)، چطور می توان گفت که افضل برای امام قرائت است؟ این نوع جمع کردن عرفی نیست.

### فرمایش آیت الله سیستانی در جمع بین روایات

آیت الله سیستانی در تعلیقه عروه ذیل فتوای صاحب عروه که تسبیح را افضل دانسته اند، فرموده اند:

« قد يطرء ما يوجب افضلية القراءة كعنوان المداراة فيما اذا كان اماما لقوم يرون لزوم القراءة في كل ركعة»[[10]](#footnote-10)

ایشان پذیرفته اند که تسبیح افضل است، مگر در موارد تقیه مداراتی که انسان امام جماعت برای عامه می شود یا در محیط عامه مستحب است که قرائت خوانده شود. در بحث استدلالی نیز ایشان فرموده اند: از ادله استفاده می شود که تسبیحات به عنوان اولی افضل است:

«المتحصل من ملاحظلۀ مجموع الروایات أن ما هو الأفضل باطبع الأولی هو التسبیح»

 وقتی استدلال می کنند به صحیحه زرارۀ استدلال می کنند که امام علیه السلام در مقام تعلیم حکم شرعی به زرارۀ فرموده اند:

« كَانَ الَّذِي فَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ مِنَ الصَّلَاةِ عَشْرَ رَكَعَاتٍ وَ فِيهِنَّ الْقِرَاءَةُ وَ لَيْسَ فِيهِنَّ وَهْمٌ يَعْنِي سَهْواً فَزَادَ رَسُولُ اللَّهِ ص سَبْعاً وَ فِيهِنَّ الْوَهْمُ وَ لَيْسَ فِيهِنَّ قِرَاءَةٌ»[[11]](#footnote-11)

این روایت نشانگر این است که امام می فرمایند قرائت به حکم اولی مرجوح است. ما قبلا عرض کردیم که شاید بیانگر نفی توهم وجوب باشد. فرق است که بگویند «لاتقرأ» با اینکه بگویند «لیس فیهن القرائۀ» تعبیر دوم صرفا نفی جزئیت می کند. آنچه جزء است تسیبح است و قرائت نیز مصداقی از تسبیح است.

**سوال**: لیس فی الصلاه القنوت به معنای عدم جزئیت نیست، ظاهر در عدم مشروعیت است.

**جواب**: در این روایت محل بحث تقابل است، می گوید در رکعت اول ود وم قرائت دارد، در رکعت سوم و چهارم مثل عامه نباشید که قرائت را جزء می دانند، قرائت جزء نیست، اما اینکه قرائت به عنوان مصداق تسبیح نیز مرجوح باشد که گفته شود، از این روایت استفاده نمی شود. لاأقل جمع آن با روایت صحیحه عبید بین زرارۀ که می گفت « تُسَبِّحُ وَ تُحَمِّدُ اللَّهَ وَ تَسْتَغْفِرُ لِذَنْبِكَ وَ إِنْ شِئْتَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فَإِنَّهَا تَحْمِيدٌ وَ دُعَاءٌ»[[12]](#footnote-12) همین است که به معنای عدم مشروعیت معنا نکنیم و بگوییم جزء در رکعت سوم و چهارم نیست.

راجع به روایاتی که اختلاف دارد ایشان فرموده اند به اختلاف حال روات حمل می شود. مثلا امام به منصور بن حازم فرموده اند:

«الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا كُنْتَ إِمَاماً فَاقْرَأْ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَ إِنْ كُنْتَ وَحْدَكَ فَيَسَعُكَ فَعَلْتَ أَوْ لَمْ تَفْعَلْ»[[13]](#footnote-13)

محقق نایینی گفته این روایت از باب تقیه است؛ زیرا در ذیل نفرموده که «یسعک التسبیح» بلکه آورده است: «إِنْ كُنْتَ وَحْدَكَ فَيَسَعُكَ فَعَلْتَ أَوْ لَمْ تَفْعَلْ».

 عمده فرمایش محقق سیستانی این است که ممکن است بگوییم امام علیه السلام شاید دیده منصور بن حازم امام جماعت است، مقام جواب امام، مقام افتاء بوده است و با حدیثی که به زرارۀ گفته می شود تفاوت دارد. امام به منصور می فرماید: در هنگام امام جماعت بودن، سورۀ حمد بخوانید، شاید امام شرایط منصور را دیده که مناسب با تقیه است. نمی توان حکم کلی استفاده کرد و گفت مطلقا بر امام جماعت اختیار سورۀ حمد مستحب است.

راجع به صحیحه معاویۀ بن عمار مطلب دیگری دارند که می فرمایند: معاویۀ بن عمار گفت: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الْقِرَاءَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْن » امام فرمود: « يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَ مَنْ خَلْفَهُ يُسَبِّح‏»[[14]](#footnote-14) شاید به این معنا باشد که این امام جماعت ها که می دانیم فاتحۀ می خوانند ولی شما که از مأموم سوال می کنید به شما می گویم افضل این است که مأموم تسبیح بگوید. فکر نکنید که قرائت امام موجب سقوط وظیفه شما می شود.

انصافا این فرمایش از دو جهت خلاف ظاهر است:

1. اینکه «امام یقرأ بفاتحۀ الکتاب» را اینطور معنا کنیم که این امام ها فاتحۀ می خوانند، خلاف ظاهر است. شأن امام علیه السلام بیان حکم شرعی است.
2. ذیل روایت که آمده است: «إذا کنت وحدک» ایشان که در منفرد نیز فرموده افضل تسبیح است، پس فرق مأموم با منفرد چه می شود؟ روایت فرق گذاشته است. در روایت برای مأموم تسبیح مطرح شده و برای منفرد تخییر مطرح شده است. بلی، ایشان در ضمن کلمات خود دارند که قول به وجوب اختیار تسبیح بر مأموم قائلی ندارد، این اشکال به محقق خویی است، ولی افضلیت تسبیح نسبت به مأموم قائل دارد، مفاد این روایت نیز همین است، چطور می توان توجیه کرد این روایت را در حالی که تفصیل بین مأموم و منفرد داده است؟

اشکال می شود که راجع به امام جماعت دلیل بر استحباب تسبیح داریم و نمی توانیم ملتزم شویم که قرائت در حق وی مستحب است؛ زیرا در صحیحه زرارۀ آمده است:

«وَ إِنْ كُنْتَ خَلْفَ إِمَامٍ فَلَا تَقْرَأَنَّ شَيْئاً فِي الْأَوَّلَتَيْنِ وَ أَنْصِتْ لِقِرَاءَتِهِ وَ لَا تَقْرَأَنَّ شَيْئاً فِي الْأَخِيرَتَيْنِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ- وَ إِذا قُرِئَ الْقُرْآنُ يَعْنِي فِي الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ فَالْأَخِيرَتَانِ تَبَعاً لِلْأَوَّلَتَيْن‏»[[15]](#footnote-15)

جواب این است که بالأخره تعارض بین این روایت و روایات دیگر را چطور حل کنیم؟

### فرمایش آیت الله سیستانی راجع به مأموم

ایشان راجع به مأموم فرموده است که روایات اختلاف دارند. صحیحه ابن سنان فرموده است: «يُجْزِيكَ التَّسْبِيحُ فِي الْأَخِيرَتَيْنِ قُلْتُ أَيَّ شَيْ‏ءٍ تَقُولُ أَنْتَ قَالَ أَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ»[[16]](#footnote-16) که محقق خویی به خاطر این روایت بین نماز جهریه و اخفاتیه فرق گذاشته اند. ولی این روایت با صحیحه معاویۀ بن عمار که می گوید «من خلقه یسبح» در تعارض است. روایات در این باره چند دسته هستند: یک دسته صحیحه معاویۀ بن عمار است، یک دسته هم قرائت را افضل می دانستند، صحیحه ابن سنان نیز در نماز اخفاتیه تسبیح را مطرح کرده بود، محقق خویی نیز توجیه کرد که بین مأموم در نماز های اخفاتیه و جهریه تفصیل می دهیم. مأموم در نماز های جهریه وظیفه تسبیح دارد، ولی مأموم در نماز های اخفاتیه مخیر بین تسبیح و حمد است.

#### مناقشه آیت الله سیستانی به محقق خویی و بررسی آن

محقق سیستانی فرموده اند که این مطلب دارای سه ایراد است:

1. ایراد اول اینکه خلاف صحیحه علی بن یقطین است که در آن آمده است:

«عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ يَصْمُتُ فِيهِمَا الْإِمَامُ أَ يُقْرَأُ فِيهِمَا بِالْحَمْدِ وَ هُوَ إِمَامٌ يُقْتَدَى بِهِ قَالَ إِنْ قَرَأْتَ فَلَا بَأْسَ وَ إِنْ سَكَتَّ فَلَا بَأْسَ»[[17]](#footnote-17)

محقق سیستانی خطاب به محقق خویی فرموده اند: شما چه اصراری دارید که بگویید وظیفه مأموم در نماز جهریه تسبیح است؟ در حالی که این روایت می گوید هر دو اشکالی ندارد.

1. ایراد دوم این است که روایتی که شما استدلال بر افضلیت تسبیح کردید که یکی صحیحه زرارۀ است، ذیلی دارد که نمی توان بر آن ملتزم شد. ذیل آن آمده است: «الرکعتان الأخراوین تبع للأولیین» نمی توان به این ذیل ملتزم شد، مضمون آن قابل التزام نیست.

اگر امام در رکعت اول که سورۀ حمد می خواند و مأموم نیز به او اقتداء می کند، سکوت می کند، باید در رکعت سوم و چهارم نیز سکوت کند به دلیل اینکه دو رکعت آخر تابع دو رکعت اول است؟ مضمون این روایت قابل التزام نیست، چطور می توان به این روایت استدلال کرد؟

این فرمایش محقق سیستانی نیز قابل تأمل است. نسبت به صحیحه علی بن یقطین واقعا فرمایش ایشان روشن نیست. متن صحیحه چنین بود:

« عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنِ الْقِرَانِ بَيْنَ السُّورَتَيْنِ فِي الْمَكْتُوبَةِ وَ النَّافِلَةِ قَالَ لَا بَأْسَ وَ عَنْ تَبْعِيضِ السُّورَةِ قَالَ أَكْرَهُ ذَلِكَ وَ لَا بَأْسَ بِهِ فِي النَّافِلَةِ وَ عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ يَصْمُتُ فِيهِمَا الْإِمَامُ أَ يُقْرَأُ فِيهِمَا بِالْحَمْدِ وَ هُوَ إِمَامٌ يُقْتَدَى بِهِ قَالَ إِنْ قَرَأْتَ فَلَا بَأْسَ وَ إِنْ سَكَتَّ فَلَا بَأْسَ[[18]](#footnote-18)».

ایشان می فرماید: «سکت» یعنی «لم تقرأ بل سبحت» ولی به نظر ما این معنا ظاهر روایت نیست؛ زیرا محتمل است مراد از « الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ يَصْمُتُ فِيهِمَا الإمام» مراد رکعت اول و دوم باشد. آیت الله سیستانی فرموده اند: اگر قرار بود که مراد رکعت اول و دوم نماز های اخفاتیه باشد، حضرت می فرمود که «فی الصلاۀ الإخفاتیه»، می گوییم این یک موید به نفع شما است، ولی از آن طرف جواب امام چنین است: إِنْ قَرَأْتَ فَلَا بَأْسَ وَ إِنْ سَكَتَّ فَلَا بَأْسَ[[19]](#footnote-19)». پس چرا امام نفرموده اند که إن سبحت فلابأس؟ این هم می تواند موید ما باشد. إن سکتت فلابأس می تواند همان رکعت اول و دوم نماز های اخفاتیه باشد.

اتفاقا روایت دیگری از علی بن یقطین به همین مضمون آمده است:

« سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ ع عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي خَلْفَ إِمَامٍ يَقْتَدِي بِهِ فِي صَلَاةٍ يُجْهَرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ فَلَا يَسْمَعُ الْقِرَاءَةَ قَالَ لَا بَأْسَ إِنْ صَمَتَ وَ إِنْ قَرَأَ»[[20]](#footnote-20)

پس این صحیحه علی بن یقطین نمی تواند به عنوان اشکال به محقق خویی مطرح شود.

(نکته دیگر راجع به صحیحه علی بن یقطین این است که آمده است: « عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ اللَّتَيْنِ يَصْمُتُ فِيهِمَا الْإِمَامُ أَ يُقْرَأُ فِيهِمَا بِالْحَمْدِ وَ هُوَ إِمَامٌ يُقْتَدَى بِهِ قَالَ إِنْ قَرَأْتَ فَلَا بَأْسَ وَ إِنْ سَكَتَّ فَلَا بَأْس» این را چطور می توان معنا کرد؟ ظاهرا مراد روایت این است که امام جماعت نیز امام عادلی است و امام جماعت بیخودی و غیر عادل که به صورت تقیه به او اقتداء می کنیم نیست).

خلاصه به هر حال اشکال محقق سیستانی راجع به اینکه صحیحه علی بن یقطین خلاف فرمایش محقق خویی است، تمام نیست. علاوه بر اینکه محقق خویی در نماز جهریه فرمود واجب است که مأموم در رکعت سوم و چهارم تسبیح بگوید، اما در نماز اخفاتیه طبق صحیحه ابن سنان گفت: «یجزیک التسبیح» صحیحه علی بن یقطین را می توان حمل بر نماز اخفاتیه کرد. محقق خویی تفصیل بین مأموم در نماز جهریه و اخفاتیه داده است، فرموده است مأموم در نماز جهریه احتیاط واجب این است که فقط تسبیح بگوید و حمد نخواند، ولی در نماز اخفاتیه مأموم مخیر بین تسبیح و قرائت سورۀ حمد است. صحیحه علی بن یقطین با اطلاق می گوید که مخیر است، می تواند حمل بر اخفاتیه شود.

اشکال دیگر ایشان راجع به روایت زرارۀ که ذیل آمده است «الاولیان تبع للأخیرین» برفرض درست باشد، ذیل مقداری ابهام دارد البته توجیه نیز می توان کرد بدین بیان که بگوییم اگر شما در رکعت اول و دوم حمد نخوانده اید و ساکت بودید، در رکعت سوم و چهارم نیز حمد نخوانید و تسبیحات بگویید. اگر هم اشکال داشته باشد، قحطی روایت نیست، محقق خویی می تواند به روایات دیگر تمسک کند. خلاصه اینکه محقق سیستانی فرموده اند ما معتقدیم این روایات به خاطر اختلاف شرایط روات بوده است. راجع به منفرد نیز ایشان فرموده است، کسانی مثل محقق همدانی که به صحیحه علی بن حنظلۀ و عبید تمسک کرده اند و مساوی دانسته اند، منافات با روایت محمد بن عمران دارد که تسبیح را افضل دانسته است. البته ایشان سند روایت محمد بن عمران را قبول ندارد. تاکنون محصل فرمایش ایشان شد.

ما اصل فرمایش ایشان را قبول داریم که اختلاف شرایط راویان مهم است ولی به شرط اینکه خطاب به راوی کنند، ولی خیلی از این روایات خطاب به راوی نبود، مثل روایت علی بن حنظلۀ و دیگر روایات که نمی توان اینطور توجیه کرد. فقط راجع به منصور بن حازم می توان فرمایش ایشان را پذیرفت؛ زیرا امام جماعت می شده است و دچار محذور می شده است. ولی روایات منحصر به ایشان نیست. لذا به نظر ما جمع ایشان اشکال دارد. همان که ما عرض کردیم صحیحه عبید بن زرارۀ مرجع است و این روایات با هم تعارض دارند و قابل جمع نیستند.

## بحث بعد: بررسی چیستی عدل قرائت در رکعتین أخیرتین

بعد از اینکه بحث روشن شد که تسالم اصحاب بر تخییر است و افضلیت یکی بر دیگری برای ما ثابت نشده است. حال باید دید که عدل قرائت سورۀ حمد چیست؟ آیا تسبیح است؟ آن هم چه نوع تسبیحی است؟ آیت الله سیستانی عدل قرائت حمد را فقط یک سبحان الله می دانند. در نظر ایشان خیلی نماز راحت می شود؛ زیرا ایشان سورۀ کامله را لازم نمی دانند، یک آیه هم شخص بخواند اشکالی ندارد، در تسبیحات نیز یک سبحان الله را کافی می داند، البته به خاطر ترس از مخالفت با مشهور، احتیاط واجب می کنند و فتوا نمی دهند. برخی مثل محقق در شرایع[[21]](#footnote-21) حتی سبحان الله را نیز لازم نمی دانند و صرف گفتن یک ذکر را کافی می دانند مثل اینکه شخص بگوید یا الله. در جلسه آینده به بررسی اقوال و أدله آن ها پرداخته می شود.

1. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص308.](http://lib.eshia.ir/11021/1/308/%D8%A7%D9%84%D8%B1%D8%B6%D8%A7) [↑](#footnote-ref-1)
2. . کتاب نکاح، ج 4 ص 888. «سند اين روايت به نظر ما معتبر است زيرا عبدالواحد بن محمد بن عبدوس كه در سند اين روايت آمده، از مشايخ صدوق است. على بن محمد بن قتيبه هم از شيوخ احمد بن ادريس است. ما شيوخ اجازه را معتبر مى دانيم لذا مى‌توانيم روايت را معتبر بدانيم» [↑](#footnote-ref-2)
3. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج11، ص51.](http://lib.eshia.ir/71334/11/51/%D8%B9%D8%A8%D8%AF%D9%88%D8%B3) [↑](#footnote-ref-3)
4. .علل الشرایع، ج 1 ص 162. [↑](#footnote-ref-4)
5. . المعتبر في شرح المختصر، جلد: ۲، صفحه: ۱۶۵. [↑](#footnote-ref-5)
6. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص619.](http://lib.eshia.ir/11021/1/619/%D8%A7%D9%84%D8%AA%D8%B3%DB%8C%D8%A8%D8%AD) [↑](#footnote-ref-6)
7. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص309.](http://lib.eshia.ir/11021/1/309/%D8%B0%DA%A9%D8%B1%20%D9%85%D8%A7) «وَ سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ: لِأَيِّ عِلَّةٍ يُجْهَرُ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَةِ وَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَ سَائِرُ الصَّلَوَاتِ الظُّهْرُ وَ الْعَصْرُ لَا يُجْهَرُ فِيهِمَا وَ لِأَيِّ عِلَّةٍ صَارَ التَّسْبِيحُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ أَفْضَلَ مِنَ الْقِرَاءَةِ قَالَ لِأَنَّ النَّبِيَّ ص لَمَّا أُسْرِيَ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ كَانَ أَوَّلَ صَلَاةٍ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ الظُّهْرُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَضَافَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةَ تُصَلِّي خَلْفَهُ وَ أَمَرَ نَبِيَّهُ ع أَنْ يَجْهَرَ بِالْقِرَاءَةِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَضْلَهُ ثُمَّ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْعَصْرَ وَ لَمْ يُضِفْ إِلَيْهِ أَحَداً مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ أَمَرَهُ أَنْ يُخْفِيَ الْقِرَاءَةَ لِأَنَّهُ لَمْ يَكُنْ وَرَاءَهُ أَحَدٌ ثُمَّ فَرَضَ عَلَيْهِ الْمَغْرِبَ وَ أَضَافَ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةَ وَ أَمَرَهُ بِالْإِجْهَارِ وَ كَذَلِكَ الْعِشَاءُ الْآخِرَةُ فَلَمَّا كَانَ قُرْبَ الْفَجْرِ نَزَلَ فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ الْفَجْرَ وَ أَمَرَهُ بِالْإِجْهَارِ لِيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ فَضْلَهُ كَمَا بَيَّنَ لِلْمَلَائِكَةِ فَلِهَذِهِ الْعِلَّةِ يُجْهَرُ فِيهَا وَ صَارَ التَّسْبِيحُ أَفْضَلَ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي الْأَخِيرَتَيْنِ لِأَنَّ النَّبِيَّ ص لَمَّا كَانَ فِي الْأَخِيرَتَيْنِ ذَكَرَ مَا رَأَى مِنْ عَظَمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَدَهِشَ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ فَلِذَلِكَ صَارَ التَّسْبِيحُ أَفْضَلَ مِنَ الْقِرَاءَةِ» [↑](#footnote-ref-7)
8. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص97.](http://lib.eshia.ir/10083/2/97/%D8%A7%D9%84%D8%B9%D8%B4%D8%A7%D8%A1) «مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُوسُفَ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِذَا صَلَّى يَقْرَأُ فِي الْأَوَّلَتَيْنِ مِنْ صَلَاتِهِ الظُّهْرِ سِرّاً وَ يُسَبِّحُ فِي الْأَخِيرَتَيْنِ مِنْ صَلَاتِهِ الظُّهْرِ عَلَى نَحْوٍ مِنْ صَلَاتِهِ الْعِشَاءِ وَ كَانَ يَقْرَأُ فِي الْأَوَّلَتَيْنِ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ سِرّاً وَ يُسَبِّحُ فِي الْأَخِيرَتَيْنِ عَلَى نَحْوٍ مِنْ صَلَاةِ الْعِشَاءِ وَ كَانَ يَقُولُ أَوَّلُ صَلَاةِ أَحَدِكُمُ الرُّكُوعُ» [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج6، ص110، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/110/%D9%85%D8%B1%D8%A7%D8%AA) « وَ فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ تَمِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُرَشِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الضَّحَّاكِ أَنَّهُ صَحِبَ الرِّضَا ع مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَرْوَ- فَكَانَ يُسَبِّحُ فِي الْأُخْرَاوَيْنِ يَقُولُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ يَرْكَعُ» [↑](#footnote-ref-9)
10. . العروة الوثقی (سیستانی)، جلد: ۲، صفحه: ۱۴۳. [↑](#footnote-ref-10)
11. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص272.](http://lib.eshia.ir/11005/3/272/%D9%81%D8%B1%D8%B6) [↑](#footnote-ref-11)
12. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص98.](http://lib.eshia.ir/10083/2/98/%D8%A7%D9%84%D8%B8%D9%87%D8%B1) [↑](#footnote-ref-12)
13. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص99.](http://lib.eshia.ir/10083/2/99/%D8%A7%D9%84%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8) [↑](#footnote-ref-13)
14. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص319.](http://lib.eshia.ir/11005/3/319/%DB%8C%D8%B3%D8%A8%D8%AD) [↑](#footnote-ref-14)
15. [من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج1، ص392.](http://lib.eshia.ir/11021/1/392/%D9%84%D8%B9%D9%84%DA%A9%D9%85) [↑](#footnote-ref-15)
16. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص35.](http://lib.eshia.ir/10083/3/35/%D9%82%D8%A7%D9%84) [↑](#footnote-ref-16)
17. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص296.](http://lib.eshia.ir/10083/2/296/%D8%A7%D9%84%D9%84%D8%AA%DB%8C%D9%86) [↑](#footnote-ref-17)
18. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص296.](http://lib.eshia.ir/10083/2/296/%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%81%D9%84%D9%87) [↑](#footnote-ref-18)
19. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج2، ص296.](http://lib.eshia.ir/10083/2/296/%D8%A7%D9%84%D9%86%D8%A7%D9%81%D9%84%D9%87) [↑](#footnote-ref-19)
20. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج3، ص34.](http://lib.eshia.ir/10083/3/34/%D8%AE%D9%84%D9%81) [↑](#footnote-ref-20)
21. . لم نعثر علیه. ما وجدناه فی الشرایع هکذا: « المصلي في كل ثالثة و رابعة بالخيار إن شاء قرأ الحمد و إن شاء سبح و الأفضل للإمام القراءة». ج 1 ص 73. [↑](#footnote-ref-21)